



## جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی شرکت‌های تعاونی

از: نماگیلانی

کار تعاونی واجد اساس فلسفی، روانشناسی، اقتصادی و اجتماعی است: کلیه این عوامل علت و معلول اقتصاد تعاونی و همواره باهم و از هم جدایی-ناپذیر بوده و در حالی که به بهبود وضع اقتصادی اعضای تعاونی کمک می‌کند، پیشرفت اقتصاد عمومی را نیز تسهیل می‌نماید.

اجتماعی، به صفوف تعاون می‌پیوندند، وارد جرگه تعاون می‌شوند تا مواد مصرفی، کالای حرفه‌ای، اعتبار، مسکن، برق، خدمات پزشکی و غیره را با شرایط مناسب‌تری تحصیل نمایند. یا اینکه عضویت تعاونی در می‌آیند تا برای امتعه، کار و خدمات خود بهای بهتری بدست آورند و استفاده بیشتر جویند.

اما واقعیت دیگری هم وجود دارد، بدین معنی که کار تعاونی دارای دو جنبه است، یکی اقتصادی و دیگری اجتماعی. عبارت دیگر یک تعاونی ضمن آنکه یک مؤسسه بازرگانی است، در عین حال یک سازمان و تلاش اقتصادی و اجتماعی نیز می‌باشد و خصیصه مزبور طبعاً نقش آنرا مشخص می‌سازد.

برای شناسائی جنبه‌های انسانی و اجتماعی و همچنین جنبه کاملاً اقتصادی شرکت‌های تعاونی باید دو جزء یاد و عنصر مختلف آن از یکدیگر تمیز داده شود.

باین شرح:

اول - شرکت یا اتحادیه اشخاصی است که آنرا بوجود آورده و تشکیل داده‌اند.

در مورد نقش شرکت‌های تعاونی و اثرات نهضت تعاون، عقاید و نظرات مختلف ابراز شده است:

عده‌ای عقیده دارند که تعاونیها صرفاً مؤسسات کسب و کارند و فعالیت آنها منحصر برشته اقتصادی است. بعقیده اینها تعاونیها نه می‌توانند و نه باید اجراکننده نقش اجتماعی باشند یا هدفهای اجتماعی را مستقلاً دنبال نمایند.

عده‌ای دیگر تأکید می‌کنند که تعاونیها نه تنها سازمانهای تجاری‌اند، بلکه عوامل دگرگونی اجتماعی نیز می‌باشند. بعقیده این گروه در صورتی که نقش تعاونیها صرفاً محدود برشته اقتصادی می‌بوده، کار تعاون هرگز سزاوار چنین اهمیتی که برایش قائل شده‌اند، نمی‌گشت.

کدامیک از این دو نظر مختلف و متضاد صحیح است؟ پاسخ را میتوان در پرتو واقعیات تعاونی جستجو کرد.

حقیقت امر اینست که اکثر مردم بخاطر مقاصد علمی، به دلایل اقتصادی، نه بر اساس فلسفی و نه بمنظور انجام تغییرات

دوم - دستگاه مالی مشترکی است که بوسیله آن شرکت تعاونی به هدفهای خود نائل میشود .  
برای تحقق جزء اول، یعنی شرکت یا اتحادیه اشخاص مراحل زیر طی میشود :

الف - اشخاص با اختیار و با اراده آزاد با هم متحد میشوند و اتحادیه و شرکتی را تشکیل میدهند تا احتیاجات مشابه خود را از طریق دستگاه مالی مشترك رفع کنند.

ب - ابواب شرکت برای همه کسانی که میتوانند مفید واقع شوند و خدماتی از آن نوع انجام دهند، باز میماند .

ج - شرکت بر اساس دموکراسی ( قدرت کامل و فائق مجامع عمومی حق رأی مساوی اعضاء در مجامع مذکور) تشکیل میشود .

د - حوائجی که بوسیله دستگاه مالی جمعی و مشترك رفع میشود، ناشی از فقدان قدرت اقتصادی عموم اعضاء شرکت ( در رفع آن حوائج توسط فرد فرد اعضاء بصورتی مطلوب ) است .

ه - همینکه شرکت بنحویذ کور تشکیل شد، در عین حال که توجه به تقویت استقلال اقتصادی اعضاء دارد، کوشاست که بین آنها روابط و پیوستگی های اخلاقی و زندگی اجتماعی بر مبنای رشد شخصیت فردی ( خودیاری ) و همکاری جمعی فراهم آورد .  
در باره عنصر یا جزء دوم، یعنی دستگاه مالی مشترك میتوان گفت چون طرز کار و نحوه اعمال و وظائف آن دستگاه بر پایه انجام بهترین خدمت با اعضاء مبتنی است، نه کسب منفعت و درآمد لذا :

الف - دستگاه مشترك مذکور، سرمایه لازم را برای انجام وظیفه و گردش کار خود، از طریق سهام متساوی و یا سهامی به نسبت خدماتی که برای هر یک از اعضاء بهره محدودی میبرد از آن بهره رابطه و تناسبی با جمع درآمد و نتایج معاملات دستگاه ندارد .

ب - اگر بعد از وضع مخارج شرکت و اختصاص مبالغ معین به ذخائر مختلف و بجهت امور عام المنفعه، مازاد سالانه ای وجود داشته باشد، آن مازاد به تناسب معاملات که با دستگاه مالی مشترك ( شرکت ) شده است تقسیم میشود . یعنی بحسب قاعده معمول بهره عضو، اضافه در هائقی شرکت را ( نسبت به خدماتی که شرکت برای همان عضو انجام داده و مخارجی که برای انجام صحیح آن خدمات شده است ) مسترد میدارند .

از این تعریف، دواصل مهم شرکت های تعاونی که مبین جنبه های اجتماعی و اقتصادی آن است نتیجه میشود . این دواصل عبارتند از :  
۱ - اصل تساوی آراء اعضاء شرکت در مجامع عمومی صرف نظر از میزان سهام هر یک ( هر عضو یک رای ) که معرف جنبه اجتماعی شرکت های تعاونی است .

۲ - اصل تقسیم درآمد حاصل از معاملات شرکتها بصورت مازاد برگشتی بین اعضاء به تناسب خدماتی که برای هر عضو

انجام داده است که بیان کننده جنبه اقتصادی این نوع شرکتهاست جنبه دوگانه نهضت تعاونی به روشنی توسط دکتر فوکو که تعریف شده است . ناسبرده در کتاب خود تحت عنوان « بخش تعاونی » چنین میگوید :

در شرکت تعاونی دو عنصر وابسته وجود دارد که باید از هم تمیز داده شود : یکی اقتصادی و دیگری اجتماعی ، یعنی اولاً : هر تعاونی کانونی است از افرادی که پی برده اند از طریق نیازمندیهای یکسان دارند، و از طرف دیگر، این نیازمندیها را با تلاش دسته جمعی بهتر میتوانند مرتفع سازند تا با وسائل شخصی .  
ثانیاً : هر تعاونی کوشش مشترکی است بمنظور تحقق بخشیدن هدفی کاملاً منطبق با رفع نیازمندیهای مزبور .

« از این نقطه سبده پاره ای قوانین تشکیلاتی بوجود آمده که مشخص روابط اجتماعی بین اعضاء در داخل شرکت تعاونی و روابط اقتصادی هر کدام از آنها و مؤسسه میباشد . »

سازمان تعاونی، به لحاظ کیفیت دوگانه اش، طبعاً ناچار است نقش مضاعفی ایفا کند یکی نقش اقتصادی و دیگری نقش اجتماعی .

#### ۱ . نقش شرکت های تعاونی در توسعه اجتماعی

کار تعاونی واجد اساس فلسفی، روانشناسی، اقتصادی و اجتماعی است : کلیه این عوامل علت و معلول اقتصاد تعاونی و همواره با هم و از هم جدائی ناپذیر بوده و در حالی که بهبود وضع اقتصادی اعضاء تعاونی کمک میکند ، پیشرفت اقتصاد عمومی را نیز تسهیل مینماید .

با تجزیه و تحلیل عوامل مزبور بسادگی میتوان با پس ن حقیقت پی برد .

عنصر فلسفی و روانی همیشه در کار تعاونی وجود دارد ، همواره و همه جا آنرا همراهی میکند . افراد هر چه بیندیشند و ادعا نمایند ، واقعیت این است که پیشرفت تعاونی بدون قبول فلسفه اساسی تعاون بدون ایجاد محیط فکری لازم ناسمکن است . عنصر روانی گام اصلی و نیروی محرکه بر کار تعاونی است .

پی ریزی یک تعاونی ، الحاق به صفوف تعاون ، معمولاً نتیجه یک دگرگونی فکری است مبین مواجبه نوین مردم است با مشکلاتشان ، مظهر خواست و اراده آنان است برای غلبه بر دشواریها و چارمجویی مسائل مبتلا به از طریق مجاهدت خودشان و همدستی با کسانی که در وضع مشابهی قرار گرفته اند .

اساس فلسفی و روانی کار تعاونی با این جمله کوتاه و روشن و گویا :

خودیاری و کمک متقابل، بخوبی بیان میگردد . اینها دو ستون فکری تمامی بنای تعاون اند . همواره دوشادوش هم دیند میشوند و یکی بدون دیگری نمیتواند مؤثر واقع شود .

خودیاری و کمک متقابل، موجب بروز آن میگردد که روحیه تعاونی نامیده میشود . هر کجا که این روحیه قوی باشد کار تعاونی بسهولت پاسیگردد، برعکس، هر جا چنین روحیه وجود

نداشته باشد، دورنمای موفقیت تعاون تیره است.

کار تعاونی، با تکیه به خودیاری و کمک متقابل، به مردم و ارزشهای مردم، ملتها و گروههای اجتماعی نشان میدهد که قادرند سازمانها و مؤسسات متعلق بخود تشکیل دهند، مشکلات خود را باتکای قوای خود چارچوئی کنند و موفقیت خود را هر چقدر هم مایوس کننده و پریشان بنظر رسد، دگرگون نمایند. در پرتو کار خود میتوانند وضعیت اقتصادی بهتری تحصیل کنند، موقع اجتماعی جدیدی بدست آورند و نقش تازه ای در اجتماع بعهده بگیرند.

کار تعاونی به مردم ایمان، خودآگاهی، اعتمادبنفس، شکیبائی و استقامت میدهد. از آنان کارکنان تعاونی مسئول میسازد، عنصر انسانی را برای جامعه متحول تعاونی، برای جهان همراهی و مسالمت و نه دیارمخاصمت پرورش میدهد. دگرگونی اجتماعی که تحت تاثیر کار تعاونی بوقوع میپیوندد از همین جا آغاز میشود.

کار تعاونی، در نتیجه استقرار مناسبات خاص بین فرد و مؤسسه چنان دگرگونی بوجود میآورد که در مقایسه با تحولات دیگر با برجاتر، چشم گیرتر و نمایان تر است.

نقش این مناسبات در دگرگونی اجتماعی بسادگی مشهود است. صرف این حقیقت که افراد از صورت استفاده کننده از مؤسسات، از صورت مشتری کارگر، تحویل دهنده، خریدار، وام گیرنده و غیره خارج شده و موقعیت مالک و اداره کننده مؤسسات را پیدا میکند، مؤید این مطلب است. روابط تعاونی باین ترتیب مقام و مسئولیت اجتماعی جدید به مردم میدهد و تلقی آنها نسبت به محیط اجتماعی و اقتصادیشان سراپا دگرگون میسازد. افراد بجای آنکه بخاطر منفعت مؤسسات وسیله استفاده و سوءاستفاده قرارگیرند، صاحب و مصرف کننده بهره برداری آنها میشوند. بدین طریق یک گروه اجتماعی یا عرصه وجود میگذارد.

کار تعاونی با مستقل ساختن مردم و تبدیل آنان بفرمانروایان سرنوشت خویش، آنها را ارباب مؤسسات خود میسازد. تا اینجا دگرگونی اجتماعی فقط در پرتو بنانهادن و بکار انداختن مؤسسات تعاونی و در ایه شکل تعاونی مناسبات فرد و مؤسسه مورد بررسی قرار گرفته است. اما بحث بدینجا خاتمه نمی یابد.

مؤسسه تعاونی صرفاً از جنبه ظاهری بنای خود مرکب فعالیت اقتصادی است. در ورای این نمای ظاهری، مشارکت تعاونی، کانون زندگی تعاونی و آزمایشگاه تعاونی تحول اجتماعی نهفته است.

در تئوری تعاون به نقش و اثر مشارکت تعاونی در زمینه اجتماعی همواره دقت کافی مبذول شده است این عامل باندازه ای چشمگیر و قابل ارزش است که اگر مشارکت تعاونی بنحوصحیح مورد عمل قرار نگیرد هیچ سازمان تعاونی قادر نخواهد بود موفقیت و پیشرفت واقعی تحصیل کند.

مشارکت تعاونی با نفوذ تعلیماتی خود به تحویل اجتماعی کمک فراوران میکند. یک تعاونی بهمان اندازه که مؤسسه تجاری است، مرکز آموزشی نیز میباشد و بهمین علت اظهار نظر شده که: تعاون، کسب و کار به اضافه تعلیم و تربیت است. و نیز بهمین جهت یکی از اصول اساسی تعاون به اصل آموزشی شهرت یافته است.

یک سازمان تعاونی، حتی اگر بخواهد، نمیتواند نقش خود را به رشته اقتصادی محدود سازد، زیرا تعاونیها تنها وضع اقتصادی اعضای خود را بهبود نمی بخشند، بلکه وظیفه بزرگتری دارند. بدین معنی که معیارهای آموزشی، اخلاقی و اجتماعی اعضای خود را نیز بالا میبرند و همیشه و همهجا، بطور اجتناب ناپذیر، چه آگاه باشند یا نه و چه عمل آنها سازمان یافته باشد یا نه، این کار را انجام میدهند، همیشه و همهجا، هنگامی که مردم به شیوه تعاونی عمل نمایند، موقعی که قوای خود را متحد ساخته، دست در دست هم بحرکت درآیند، نتیجه آنستکه افراد و اتباع بهتری به بار میآیند، افرادی واحد اعتماد و اتکای به نفس اتباعی آگاه از ارزش خود، از استعداد های خود و از اسکاناتی که میتواند از آن استفاده نمایند.

سازمان تعاونی، برای بهبود وضع مردم، فروشگاه، سوپر مارکت، محلات مسکونی، کارخانه، کارگاه فنی، بانک بیمه و سایر مؤسسات تعاونی میسازد و بمنظور بهبود وضع تعلیم و تربیت آنها، مدرسه، کالج، آموزشگاه تعاونی بنا کرده، دوره های آموزش تعاون و فعالیت های فرهنگی ترتیب میدهد. در تشکیلات تعاونی اقتصاد و آموزش همراه ملازم یکدیگرند و بدون یکدیگر نمیتوانند بسر برند. در بنای جسمانی تعاون، تعلیم و تربیت بمنزله روح در بدن انسان است.

فعالیت آموزشی در داخل تشکیلات تعاونی حائز اهمیت اجتماعی و انقلابی است. ملیونها افراد سال بسال در طول زمان، از نسلی به نسل دیگر وارد مؤسسات تعلیماتی تعاون شده و دوره های تعاونی را میگذرانند. کلیه آنها آموزش و دانش و تجربه کسب میکنند. همه آنان میآموزند که بهتر کار کنند، از امور مربوط بخود بهتر مراقبت نمایند، تعاونیهای خود را بهتر اداره کنند، روابط انسانی بهتری برقرار سازند و رفتار اجتماعی بهتری داشته باشند. کار تعاونی، حتی موقعی که تشکیلات رسمی نداشته باشد، اثر و نتیجه تعلیماتش غیر قابل اجتناب و بسیار پر ارزش است.

بنابر این اهمیت بزرگ اجتماعی و فرهنگی کار تعاونی در آموزشی که به افراد میدهد تا امور خود را به شیوه تعاونی اداره نمایند، در پرورش آنان جهت بکار بستن روشهای اتکای دوطرفه در معاملات تجاری شرافتمندانه، و نیز در اجرای اصل خودیاری کمک متقابل و اصول کلی تعاون است. بدین وسیله مردم تدریجاً با فلسفه تعاونی و تعلیمات آن، با اهمیت نهضت تعاون برای زندگی، پیشرفت اقتصادی و تحول اجتماعی آشنا میگردند.

## ۲ - نقش شرکت‌های تعاونی در توسعه اقتصادی

منظور از توسعه اقتصادی در یک جامعه افزایش میزان تولید انواع محصولات و خدمات است. متناسب جمعیت جامعه در مکاتب اقتصادی، عوامل مختلفی مؤثر در توسعه اقتصادی شناخته شده‌اند.

گروهی از اقتصادپوین وجود مؤسسات مناسب را عامل اصلی رشد اقتصادی دانسته‌اند و برای عوامل دیگر از قبیل شوق به فعالیتهای اقتصادی و یا جمع سرمایه و حتی دانش، ارزشی برابر و همپایه این عامل اصلی قائل نشده‌اند و عقیده دارند که این عوامل فرعی و ثانوی، عکس‌العمل غریزی انسان در قبال وجود مؤسسات اجتماعی سازگار با توسعه اقتصادی است که بدون آنگونه مؤسسات اسکان بروز و ظهور نمییافت.

گروه دیگری وجود تقاضا و احساس احتیاج را انگیزه اصلی فعالیتهای انسانی در رشد اقتصادی میدانند. به عقیده اینها، ملتهای تن‌پرور و اقوامی که برای راحت و تن‌آسائی ارزشی بیشتر قائلند تا درآمد و ثروت که از تکاپو و فعالیت حاصل میشود مستعد توسعه اقتصادی نیستند.

عده دیگر دست‌تنگی از دانش و معلومات فنی را عامل قطعی سکون و عقب‌ماندگی یک ملت میدانند. فقدان سرمایه لازم برای رشد اقتصادی بر حسب عقیده بعضی دیگر از علمای اقتصاد عامل اصلی عدم پیشرفت کشورهای توسعه نیافته است. طبق این نظر هرگاه سرمایه کافی برای توسعه اقتصادی وجود داشته باشد، و بکار افتد عوامل دیگر چون تخصص و معلومات فنی به آسانی پیدا میشود تمام مؤسسات اجتماعی نا موافق با رشد اقتصادی بتدریج از بین میروند و بجای آنها مؤسسات مطلوب با توسعه بوجود میآید.

در باره عامل منابع مادی و طبیعی و اهدیت آن به عنوان علت اصلی توسعه اقتصادی نیز برخی سبانه کرده و گفته‌اند که در هر کشور سرمایه و تخصص و مؤسسات اجتماعی درخور رشد اقتصادی، به تناسب منابع موجود و شناخته شده آن کشور فراهم میشود و اگر در کشوری منابعی از این قبیل وجود نداشته باشد، وجود عوامل دیگری فایده است.

نظرات مذکور همگی شایسته مطالعه و در خور توجه است لکن چون هیچ امر اجتماعی معلول یک علت واحد نیست، در مورد توسعه اقتصادی، باید عوامل و علل متعدد را دخیل و مؤثر بدانیم. برابر با این عقیده، رشد اقتصادی، صرفنظر از وجود منابع طبیعی کافی و علل فرعی و دست دوم اساساً نتیجه فعالیتهای انسان و کار و کوشش افراد و مجاهدت همه طبقات جامعه است. غیر از یک سلسله عوامل غربی و تبعی، توسعه اقتصادی معلول سه علت یا عامل اصلی زیر است:

۱. سرمایه

۲. استفاده از علوم و بکار بردن روشهای جدید در کسار

تولید

## ۳. وجود مؤسسات مطلوب در جامعه مانند قوانین - رسوم

عادات و سنتهای مطلوب و موافق با توسعه

در کشورهای در حال توسعه نظام تعاون وسیله مؤثری برای استفاده از قوای مکتون و استعدادها و نیروی جامعه در تحقق هدفهای رشد اقتصادیست. در باره عامل اول یعنی سرمایه، شک نیست که تشکیل و توسعه شرکت‌های تعاونی در مناطق شهری و روستاها بهترین راه تجمع مقدرات مالی اندک افراد متوسط الحال و طبقات کارگر و کشاورز و مستخدم و مزدور است و تجربه در همه کشورها نشان داد، است که با جمع و توسعه تدریجی و بکار افتادن همین سرمایه‌ها و پس اندازهای کوچک، مقدرات مالی مردم عادی و طبقات کم درآمد جامعه است که بازار پول و بعداً بازار سرمایه در یک کشور ایجاد میشود و بسط و تکامل مییابد. منابع مالی شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های آنها همین پس اندازهای افراد جامعه است. فکر همکاری و تشریک، مساعی و توأم ساختن مجاهدتهای فردی در تشکیل سرمایه برای نیل به هدفهای اقتصادی و رفع نیازمندیهای مشترک و حوائج جمعی، اساس تعلیمات تعاونی و روح آنست.

در امر توسعه تعلیمات و پیشرفتهائی در زمینه اطلاعات حرفه‌ای و روشهای علمی در تولید و استفاده جمعی از ماشینها و وسائل و ابزارهای جدید، تأثیر شرکت‌های تعاونی مخصوصاً در قلمرو کشاورزی قابل توجه بوده است. اجتماع کشاورزانی که هر یک دارای اراضی محدود و مالکیت‌های کوچک هستند، در شرکت‌های تعاونی بمنظور ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی، نتایج ذیقیمتی را در افزایش محصولات و بهبود کیفی آنها بیار آورده‌اند. زیرا تنها از این طریق است که کشاورز کوچک کم سرمایه در امور کاشت و برداشت محصول به وسایل بزرگ و پر قیمت دسترسی می یابد. در مبارزه با آفات داسی و نباتی و همچنین عرضه صحیح محصولات و تحویل درآمدهای مناسب توفیق حاصل میکند.

در باب مؤسسات مطلوب در جامعه یعنی وجود زمینه‌های مناسب برای فعالیتهای بیشتر و شور و شوق به کار، اصل برابری و تساوی افراد و سنت‌های آزادی و دموکراسی، بهترین وسیله ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی است. وقتی ارزش عامل انسانی در اداره دستگاه مشترک که بقصد رفع حوائج اقتصادی جمعی تشکیل شده است، برتر از عامل سرمایه شناخته شد و اصل تساوی آراء اعضای شرکت در مجامع عمومی که عالیترین رکن شرکت است مبنای اتخاذ تصمیم گردید، استعداد‌های فردی مجال بروز پیدا میکند و فرصتهای مساوی در دسترس افراد قرار میگیرد و قوای عظیمی که در نهاد همین افراد عادی و طبقات متوسط است، در پیشرفت جامعه و رشد محصولات مادی و توسعه معنویات آن بکار میآفتند. بهمین دلیل است که بسیار از مصلحان اجتماعی، توسعه نهضت تعاونی را در جامعه‌های در حال رشد، بهترین وسیله تربیت افراد و آماده ساختن آنها برای برخورداری از مزایای مؤسسات دموکراتیک شناخته‌اند ●